



بازار خاموش خودروهای برقی؛ گره‌ای که با تعرفه باز نشد

دلیل اصلی عدم واردات خودروهای برقی را باید عدم هماهنگی، نبود اراده اجرایی و برنامه ملی برای گذار انرژی در حمل‌ونقل دانست. تا زمانی که این سه عامل اصلاح نشوند، تعرفه پایین، تبلیغ واردات یا حتی افزایش تولید داخل نیز تغییری در شرایط ایجاد نخواهد کرد.

در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان با سرعت به سمت برقی‌سازی حمل‌ونقل حرکت می‌کنند، ایران هنوز در نقطه صفر این مسیر ایستاده است. نه واردات چشمگیری صورت گرفته و نه فروش داخلی قابل‌اعتنایی شکل گرفته است. پرسش اصلی این است که چرا حتی با تصویب تعرفه‌های پایین، بازار خودرو برقی در ایران فعال نشد؟

۱. زیرساخت شارژ؛ حلقه گمشده‌ای که همه چیز را متوقف کرد

زیرساخت، شریان حیاتی خودروهای برقی است و نبود آن مساوی است با توقف بازار. ایران هنوز شبکه قابل‌انکایی از ایستگاه‌های شارژ عمومی ندارد. تعداد محدود شارژرهای شهری، نبود استاندارد واحد برای تجهیزات و نبود شبکه سراسری در مسیرهای بین‌شهری باعث شده خودرو برقی برای بخش بزرگی از جامعه «ریسک مصرفی» تلقی شود.

در جهان دولت‌ها ابتدا زیرساخت می‌سازند و سپس واردات و فروش را تشویق می‌کنند؛ اما در ایران بدون زیرساخت و بدون برنامه زمان‌بندی، قرار بود خودرو برقی فروش رود. چنین طرحی از ابتدا شانس موفقیت نداشت.

۲. قیمت؛ سدی که تعرفه پایین هم نمی‌شکند

حتی اگر تعرفه واردات برای خودروهای برقی کاهش یابد، باز هم قیمت نهایی تحت تأثیر چند عامل بالا می‌رود:

- نرخ ارز بالا و نوسانی
- هزینه حمل‌ونقل، بیمه و انبارداری
- هزینه خدمات پس از فروش و واردات قطعات
- حاشیه سود واردکننده

به نظر می‌رسد در شرایط فعلی خودرو برقی وارداتی حتی با تعرفه پایین، اغلب برای طبقه متوسط قابل خرید نیست. وقتی خودرو بنزینی ۱۵۰۰ ساله هنوز با قیمت پایین‌تر قابل تهیه است، مصرف‌کننده بین گزینه «گران، بی‌زیرساخت و کم‌گسترش» و «ارزان، قابل تعمیر و در دسترس» معمولاً گزینه دوم را انتخاب می‌کند.

۳. نبود امنیت تعمیر و نگهداری

خودروی برقی یک محصول وابسته به دانش فنی، نرم‌افزار، باتری و قطعات خاص است. نبود تعمیرگاه تخصصی، نبود قطعات استاندارد و نبود شبکه خدمات پس از فروش، باعث شده خریدار بالقوه نگران باشد اگر خودرو دچار مشکل شد، چه کسی آن را تعمیر خواهد کرد و با چه هزینه‌ای. این عدم اطمینان موجب شده خودرو برقی در ذهن مصرف‌کننده به محصولی پرریسک و نامطمئن تبدیل شود.

۴. بارانه پنهان بنزین؛ مانع اقتصادی بزرگ

مصرف‌کننده در ایران از بنزین یارانه‌ای استفاده می‌کند. این موضوع هزینه استفاده از خودروی بنزینی را به شدت پایین نگه داشته است. در دیگر کشورها، مردم به دلیل هزینه بالای سوخت، تمایل طبیعی به خودرو برقی دارند؛ اما در ایران:

- سوخت ارزان
- هزینه برق خانگی نسبتاً پایین ولی نامطمئن برای شارژ
- نبود مشوق‌های مالی واقعی باعث شده تا انگیزه اقتصادی برای خرید خودرو برقی ضعیف باشد.

۵. چرا واردات صمت در واردات خودروهای برقی موفق نبود؟

حتی زمانی که تعرفه‌های ویژه برای واردات خودروهای برقی تصویب شد، دستگاه اجرایی واردات جدی انجام نداد. تحلیل‌ها نشان می‌دهد چند عامل کلیدی مانع ورود خودرو شد:

(الف) نگاه سنتی به حمایت از تولید

سال‌هاست بخش‌هایی از سیاست صنعتی ایران بر پایه محدودسازی واردات برای حمایت از تولید داخل شکل گرفته است. در چنین نگرشی، واردات خودروهای پاک تهدید تلقی می‌شود، نه فرصت؛ بنابراین حتی وقتی تعرفه کم می‌شود، اراده‌ای برای اجرای گسترده آن وجود ندارد.

(ب) نگرانی ارزی

واردات خودرو به ارز نیاز دارد. در شرایطی که کشور با محدودیت‌های ارزی مواجه است، برخی تصمیم‌گیران تمایلی به تخصیص ارز به واردات خودرو برقی ندارند. این عامل به تنهایی می‌تواند واردات را قفل کند.

(ج) نبود متولی زیرساخت

برقی‌سازی حمل‌ونقل نیازمند هماهنگی بین وزارت صمت، نیرو، نفت، شهرداری‌ها و شرکت‌های زیرساختی است. نبود متولی واحد و نبود نقشه راه ملی باعث شده هیچ‌کدام از دستگاه‌ها احساس نکنند باید پیش قدم شوند. نتیجه، یک خلأ مدیریتی است که واردات را نیز ای‌ثر می‌کند.

(د) نبود آیین‌نامه‌های تکمیلی

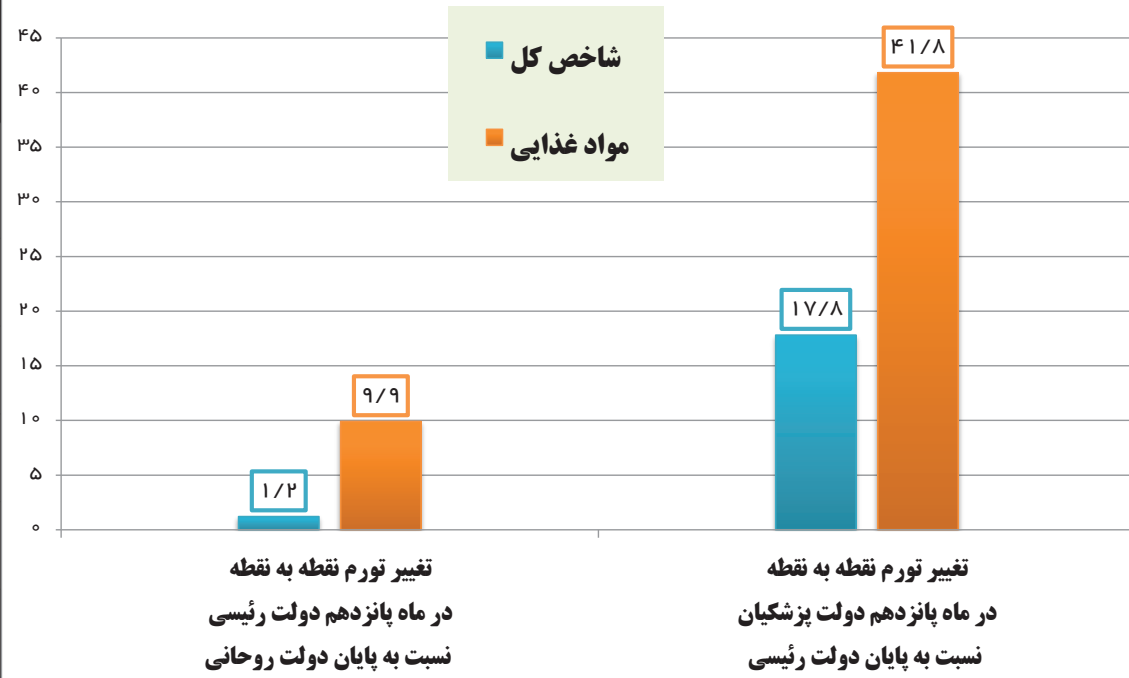
برای اجرای تعرفه‌های جدید باید دستورالعمل‌های ثبت سفارش، استاندارد‌ها و مقررات واردات تدوین می‌شد. تأخیر و پیچیدگی در این فرآیندها معمولاً موجب توقف عملی واردات می‌شود اگر قانون به ظاهر آماده باشد.

۶. جذاب نبودن بازار برای واردکنندگان خصوصی

از نگاه واردکننده، بازار خودرو برقی ایران پرریسک است. چند سؤال برای هر واردکننده مطرح می‌شود:

- اگر چند هزار خودرو وارد شود، چگونه شارژ می‌شوند؟
 - آیا خدمات پس از فروش را می‌توان تضمین کرد؟
 - آیا مردم با این قیمت‌ها خرید می‌کنند؟
 - آیا مقررات ناگهان تغییر نمی‌کند؟
- وقتی جواب این پرسش‌ها مبهم است، واردکننده منطقی ترجیح می‌دهد سراغ محصولی برود که بازار آن قابل پیش‌بینی تر است.
- در شرایط فعلی به نظر می‌رسد بازار خودروی برقی در ایران قربانی ترکیب شامل زیرساخت ناقص، اقتصاد نامتوازن سوخت، قیمت نهایی بالا، بی‌اعتمادی مردم، سیاست‌گذاری مردد، نبود اراده برای واردات و بی‌ثباتی آیین‌نامه‌ها است. به همین دلیل، خودروهای برقی هنوز نتوانسته‌اند از مرحله «بحث و شعار» به مرحله «حضور عملی در خیابان» برسند.

مقایسه افزایش تورم در ۱۵ ماه نخست دولت‌های رئیسی و پزشکیان



مقایسه روند تورم در دولت‌های رئیسی و پزشکیان

گزارش

بر اساس گزارش مرکز آمار، شاخص تورم کالاهای مصرفی همچنان در حال افزایش است. در حالی که در پایان دولت شهید رئیسی در مرداد ۱۴۰۳ نرخ تورم نقطه به نقطه ۳۱/۶ درصد بود، این شاخص در آبان امسال یعنی پانزدهمین ماه فعالیت دولت چهاردهم به ۴۹/۴ درصد افزایش پیدا کرده است.

بدین ترتیب تورم نقطه به نقطه نسبت به پایان دولت سیزدهم تاکنون ۱۷/۸ واحد درصد بیشتر شده است. این در حالی است که در مدت مشابه در دولت شهید رئیسی (مرداد ۱۴۰۰–آبان ۱۴۰۱) تورم نقطه به نقطه از ۴۳/۷ درصد به ۴۴/۹ درصد افزایش یافته بود یعنی فقط ۱/۲ درصد بیشتر شده بود.

بر اساس اطلاعات مرکز آمار، شتاب تورم مواد غذایی در دولت چهاردهم سریع‌تر از شاخص کل کالاهای مصرفی بوده است. در حالی که در مرداد ۱۴۰۳ نرخ تورم نقطه به نقطه مواد غذایی ۲۴/۴ درصد بود در آبان ماه امسال این شاخص به ۶۶/۲ درصد افزایش پیدا کرده است. به عبارتی تورم نقطه به نقطه مواد غذایی در دولت چهاردهم تاکنون ۴۱/۸ واحد درصد بیشتر شده است.

این در حالی است که در مدت مشابه در دولت شهید رئیسی تورم مواد غذایی فقط ۹/۹ درصد بیشتر شده بود؛ آن هم در شرایطی که در آن دولت اثرات تورمی حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی هم ایجاد شده بود.

افزایش شدیدی قیمت مواد خوراکی در دولت چهاردهم

بررسی قیمت بیش از ۵۰ قلم مواد غذایی که هر ماه مرکز آمار اعلام می‌کند بیانگر آن است که در مرداد ۱۴۰۳ تا آبان ۱۴۰۴ قیمت

ارقام به درصد	تورم نقطه به نقطه در پایان دولت روحانی	تورم نقطه به نقطه در ماه پانزدهم دولت رئیسی	تغییر
شاخص کل	۴۳/۷	۴۴/۹	۱/۲
مواد غذایی	۵۹/۸	۶۹/۶	۹/۹

ارقام به درصد	تورم نقطه به نقطه در پایان دولت رئیسی	تورم نقطه به نقطه در ماه پانزدهم دولت پزشکیان	تغییر
شاخص کل	۳۱/۶	۴۹/۴	۱۷/۸
مواد غذایی	۲۴/۴	۶۶/۲	۴۱/۸

مقطع زمانی	افزایش قیمت ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف (درصد)	تغییر در مبلغ یارانه نقدی (درصد)
دولت سیزدهم (مرداد ۱۴۰۰–آبان ۱۴۰۱)	۸۶	بیش از ۳۰۰ درصد برای دهک‌های کم‌درآمد و بیش از ۲۰۰ درصد برای دهک‌های متوسط
دولت چهاردهم (مرداد ۱۴۰۳–آبان ۱۴۰۴)	۸۹	بدون تغییر

(ارقام به تومان)	مرداد ۱۴۰۰	آبان ۱۴۰۱	مقدار افزایش قیمت	تغییر در یارانه نقدی	تغییر در یارانه نقدی
هزینه خرید بیش از ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف	۲,۱۶۴,۰۰۰	۳,۵۸۰,۰۰۰	۱,۴۱۶,۰۰۰	۹۲۵,۰۰۰	۲ نفره کم‌درآمد
				۶۲۵,۰۰۰	۳ خانوار

(ارقام به تومان)	مرداد ۱۴۰۳	آبان ۱۴۰۴	مقدار افزایش قیمت	تغییر در یارانه نقدی	تغییر در یارانه نقدی
هزینه خرید بیش از ۵۰ قلم مواد غذایی پرمصرف	۶,۶۳۵,۰۰۰	۱۱,۷۷۷,۰۰۰	۵,۱۴۲,۰۰۰	۲ نفره کم‌درآمد	۳ خانوار
				۰	۲ نفره متوسط

این اقلام غذایی به طور متوسط ۸۹ درصد بالا رفته است، در حالی که در مدت مشابه در دولت سیزدهم یعنی از مرداد ۱۴۰۰ تا آبان ۱۴۰۱ افزایش قیمت این اقلام به طور متوسط ۸۶ درصد بود.

عقب ماندگی ۸۰ درصدی رشد اقتصادی از هدف برنامه هفتم



کاهش ۳۰۴ درصدی تشکیل سرمایه ثابت

نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در واقع میزان سرمایه‌گذاری‌ای که منجر به احداث ساختمان (اعم از جاده و ریل و بیمارستان و سد و ساختمان تجاری و مسکونی و...) و خرید و استقرار ماشین‌آلات صنعتی در بنگاه‌های تولیدی می‌شود را نشان می‌دهد. از سال ۱۳۹۹ تا پایان ۱۴۰۳ نرخ تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران مثبت بوده و حتی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نرخ تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات افزایش قابل توجهی داشت.

اما از سال ابتدای سال ۱۴۰۴، طبق گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تشکیل سرمایه ثابت منفی شده، به طوری که رشد این متغیر در ۳ ماه اول امسال منفی ۱/۹ درصد و در ۶ ماه اول سال جاری منفی ۳/۴ درصد بوده است. نرخ تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات منفی ۵/۲ درصد و در بخش ساختمان منفی ۰/۸ درصد محاسبه شده است.

همچنین هزینه مصرف نهایی خصوصی که میزان مصرف کل مردم در جغرافیای ایران را نشان می‌دهد در ۶ ماه اول سال جاری ۱/۲ درصد کاهش یافته که نشان‌دهنده کاهش قدرت خرید خانوار در بازه زمانی مذکور است اما مصرف نهایی دولت در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۴ رشد ۲/۱ درصدی داشته که با توجه به شرایط اقتصادی و اثری که این متغیر بر افزایش رشد اقتصادی دارد، اتفاق مثبتی تلقی می‌شود.

تفاوت مهم دو دولت آن است که دولت شهید رئیسی در خرداد ۱۴۰۱ اقدام به حذف رانت ارز ۴۲۰۰ تومانی کرد که به همان خاطر، قیمت مواد غذایی در آن مقطع افزایش پیدا کرد. البته دولت

این اقدام غذایی به طور متوسط ۸۹ درصد بالا رفته است، در حالی که در مدت مشابه در دولت سیزدهم یعنی از مرداد ۱۴۰۰ تا آبان ۱۴۰۱ افزایش قیمت این اقلام به طور متوسط ۸۶ درصد بود.

صنعت انرژی خورشیدی گرفتار مونتاژکاری و رانت

با وجود تابش فراوان خورشید، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد برق ایران هنوز به یک درصد هم نمی‌رسد؛ موضوعی که کارشناسان دلیل آن را کمبود بودجه، نبود برنامه‌ریزی و فرار سرمایه‌گذاران می‌دانند.

امیرحسین شاهپوری، کارشناس انرژی‌های تجدیدپذیر اظهار داشت: ظرفیت استفاده از نیروگاه‌های خورشیدی در ایران بسیار بالاست، اما متأسفانه در سال‌های گذشته، به‌ویژه در دهه‌های گذشته، توجه کافی به این موضوع نشده است. علی‌رغم پتانسیل بسیار بالای خورشید در کشور، برنامه‌ریزی مناسبی برای بهره‌برداری از آن انجام نشده است.

البته در چند سال اخیر، به دلیل بحران برقی و ناترازی انرژی، روند توسعه انرژی خورشیدی بهتر شده است، ولی همچنان فاصله زیادی با اهداف داریم. به‌طور کلی، کمتر از یک درصد از مصرف برق کشور از منابع خورشیدی و باد تأمین می‌شود که این مقدار بسیار پایین است. او در ادامه افزود: به نظر می‌رسد که نمی‌توان موضوع توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را به یک وزیر یا یک دوره خاص نسبت داد. در حقیقت، یکی از دلایل اصلی عدم پیشرفت در این زمینه، عدم تخصیص بودجه کافی برای انرژی خورشیدی است. این بودجه باید از سوی دولت تأمین می‌شد

و باید بررسی کنیم که آیا این بودجه به‌طور واقعی تخصیص یافته است یا نه. به‌طور کلی، در تمام دوره‌ها به این موضوع به اندازه کافی اهمیت داده نشده و در نتیجه، ما هم‌اکنون با چران انرژی مواجه هستیم. اگرچه در سال‌های اخیر وضعیت بهتر شده، اما تورم و مشکلات دیگر باعث شده که پیشرفت‌ها به اندازه‌ای که باید باشد، تحقق نیافته است.

شاهپوری همچنین خاطرنشان کرد: به نظر نمی‌رسد که تا پایان دولت، ظرفیت ۳۰ هزار مگاوات برای انرژی تجدیدپذیر محقق شود. برای رسیدن به این هدف، تأمین مالی مناسب ضروری است که تاکنون محقق نشده است. در خصوص نیروگاه‌های خورشیدی، اکثر نیروگاه‌هایی که در حال اجرا هستند، فوتوولتائیک هستند که اجرای آنها زمان‌بر نیست و هزینه‌های اجرایی نسبتاً کمی دارند؛ اما مشکل اصلی در حال حاضر تأمین مالی است که بیشتر پروژه‌ها به دلیل عدم تخصیص بودجه مناسب، با مشکل مواجه هستند. این کارشناس انرژی‌های تجدیدپذیر ادامه داد: به جای صرف بودجه تنها برای تأمین تجهیزات خارجی، بهتر بود که بخش قابل توجهی از این بودجه به شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی تخصیص می‌یافت. این کار می‌توانست باعث تولید داخلی تجهیزات، ایجاد اشتغال و کاهش وابستگی به واردات شود. متأسفانه در حال حاضر بیشتر تجهیزات از خارج وارد می‌شود و برخی شرکت‌ها که خود را تولیدکننده معرفی می‌کنند، در واقع تنها مونتاژکننده هستند. این روند باعث ایجاد رانت‌هایی شده که تنها به نفع عده‌ای خاص است و به پیشرفت واقعی صنعت کمک نمی‌کند.



نگاهی به تاثیر افزایش مبلغ کالا برک بر سفره مردم

دولت چهاردهم از ۱۴۰۵، پنجمین مرحله کالا برک الکترونیک را برای خانوارهای دهک های درآمدی اول تا سوم و خانواده های حمایتی با عضو ی معلول شارژ کرد. افزایش ۱۲۰ هزار تومانی این مرحله که به ازای هر نفر به ۶۲۰ هزار تومان رسیده، هرچند اقدامی برای حمایت از دهک های پایین درآمدی است اما با توجه به حذف تدریجی ارز ترجیحی از کالا های اساسی، توان خرید واقعی مردم همچنان محدود و نگرانی ها نسبت به سلامت تغذیه خانواد ه ها و کودکان شدت گرفته است.

پس از وقفه ای تقریبا یک ساله، دولت پزشکیان به دلیل انتقادهای گسترده نسبت به ضعف در حمایت از معیشت خانوارهای کم درآمد، پرداخت یارانه غیرنقدی را دوباره آغاز کرد. در این مرحله، خانوارهای دهک های اول تا سوم و خانواده های دارای یک عضو معلول در ۴ مرحله پیشین از شارژ ۵۰۰ هزار تومانی برخوردار بودند که با افزایش مرحله پنجم به ۶۲۰ هزار تومان رسید. سرپرستان خانوار می توانند با این اعتبار، ۱۱ قلم کالای اساسی شامل شیر کم چرب، ماست کم چرب، پنیر سفید، گوشت سفید و قرمز، تخم مرغ، روغن مایع، ماکارونی، قند و شکر، برنج و حبوبات را خریداری کنند. در حالی که در مرحله چهارم متنوع کردن محصولات گوشتی مانند بوقلمون، بلدرچین، ماهی و میگو در دستور کار بود، اکنون این اقدام از سبد کالا برک حذف شده اند و تمرکز خرید به گوشت مرغ، برنج و حبوبات محدود شده است.

ترجیح خرید اقلام ضروری بر محصولات جانبی

مطالعات و بررسی های میدانی نشان می دهد شهروندان بیشتر به خرید اقلام ضروری و با قیمت بالاتر تمایل دارند. برنج، روغن و حبوبات، بیشترین سهم خرید را در کالا برک ها دارند، در حالی که ماکارونی، شیر و پنیر کمتر مورد استقبال قرار گرفته اند. کاهش مصرف لبنیات در خانوارها به حدی رسیده که در برخی خانواده ها از سبد غذایی حذف شده است.

این روند نشان می دهد که افزایش مبلغ کالا برک، تنها تا حد محدودی می تواند فشار هزینه های روزمره خانوار را کاهش دهد و توان خرید واقعی برای سسترسی به همه اقلام مورد نیاز فراهم نیست.

افزایش مبلغ کالا برک؛ راهکاری مقطعی یا پوشش واقعی تورم؟

افزایش ۱۲۰ هزار تومانی مرحله پنجم کالا برک، در حالی انجام شد که دولت چهاردهم به دنبال حذف ارز ترجیحی ۲۸.۵۰۰ تومانی از کالا های اساسی است. این اقدام، ناشی از کسری بودجه و تلاش برای ادامه «جراحی اقتصادی» دولت سیزدهم است که حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نهاده های دامی را در سال های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ در پی داشت و باعث جهش قیمت گوشت قرمز شد. با وجود اعلام مسئولان بانک مرکزی مبنی بر ادامه حمایت از ۲۸.۵۰۰ تومانی تا پایان سال، افلاقی مانند گوشت قرمز و برنج ایرانی به تدریج از شمول آن خارج شده اند. این حذف ارزی، به همراه افزایش نرخ تورم که نزدیک به ۵۰ درصد برآورد می شود، فشار مضاعفی بر قدرت خرید خانوارها وارد کرده است.

قیمت کالاهای اساسی و تاثیر بر تازاری بازار

بررسی قیمت ها تا ۱۴۰۳ نشان می دهد افزایش چشمگیر نرخ کالاهای اساسی همچنان ادامه دارد. قیمت گوشت مرغ بین ۱۳۷ تا ۱۵۵ هزار تومان، تخم مرغ ۱۷۹ تا ۲۵۰ هزار تومان، برنج بین ۱۲۱ تا ۲۰۰ هزار تومان و حبوبات بسته بندی حدود ۲۲۰ تا ۶۰۰ هزار تومان است. این ارقام، نشانگر آن است که حتی با کالا برک ۶۲۰ هزار تومانی، خانوارهای کم درآمد نمی توانند همه اقلام مورد نیاز خود را تهیه کنند و ناچار به محدود کردن خرید به کالاهای اصلی و ضروری هستند. همچنین افزایش قیمت تخم مرغ و لبنیات به دلیل کمبود نهاده های دامی و شیوع بیماری تب رفکی، برآشفتگی بازار دامن زده است.

بحران نهاده ها و تاثیر بر تولید داخلی

کمبود نهاده های دامی و عدم پرداخت به موقع مطالبات تولید کنندگان، بخش قابل توجهی از مشکلات بازار گوشت و لبنیات را رقم زده است. پرداخت ناقص ارز مورد نیاز وارد کنندگان برنج و شیر خشک کودک نیز نشان دهنده عدم توازن مالی و ضعف در مدیریت منابع ارزی است. این شرایط موجب افزایش هزینه تولید و انتقال فشار آن به مصرف کننده شده و حران غذایی را تشدید می کند.

طرح پسا و حمایت از گروه های آسیب پذیر

با وجود چالش های موجود، دولت چهاردهم تلاش کرده با طرح «پسا» و تمرکز بر خانوارهای دهک های پایین، سایه سوء تغذیه را از کودکان زیر پنج سال و مادران باردار و دارای فرزند زیر دو سال بردارد.

این طرح بر اساس دهک بندی درآمدی و اطلاعات به روز وزارت بهداشت اجرایی شود و اعتبار موظف برای سبد غذایی کودکان است که ۱۶ قلم کالا به همراه خرید پوشک را به صورت رایگان در اختیار خانوارها قرار می دهد. افزایش ۲۰ درصدی اعتبار و دو برابر شدن پوشش کودکان مشمول در سال ۱۴۰۴، نشان دهنده توجه دولت به این گروه های آسیب پذیر است. با این حال، این اقدامات حمایتی محدود به گروه های مشخص شده و بخشی از خانوارهای کم درآمد را شامل می شود؛ در حالی که سایر دهک های درآمدی پایین هنوز در انتظار شارژ کالا برک هستند.

محدودیت های کالا برک و آینده بازار

سیاست کالا برک الکترونیک هرچند تلاش دولت برای حمایت از خانوارهای کم درآمد را نشان می دهد اما با توجه به افزایش قیمت کالاهای اساسی و حذف ارز ترجیحی، توان مقابله با تورم واقعی را ندارد. افزایش مبلغ شارژ، بیشتر جنبه جبرانی دارد و نمی تواند قدرت خرید مردم را به سطح مطلوب بازگرداند. همچنین آینده کالا برک برای دهک های چهارم تا هفتم همچنان نامشخص است و تحقق وعده دولت برای پوشش ۷ دهک پایین درآمدی منوط به تأمین اعتبار و تغییرات در یارانه نقدی خانوارهای متوسط است. کاهش اقلام کالا برک و محدودیت در انتخاب کالا ها، ممکن است منجر به کاهش کیفیت تغذیه و افزایش سوء تغذیه در برخی خانوارها شود.

با این حال شارژ پنجم کالا برک الکترونیک نشان می دهد که دولت چهاردهم در تلاش است تا تمرکز بر دهک های پایین درآمدی، از آسیب پذیری گروه های محروم بکاهد. با این حال، حذف ارز ترجیحی، افزایش نرخ تورم و محدودیت منابع، فشار واقعی بر سفره خانوارها را کاهش نداده است. تجربه نشان می دهد که بدون اصلاحات ساختاری در تأمین و قیمت گذاری کالاهای اساسی، حمایت های یارانه ای تنها جنبه مقطعی داشته و قادر به ایجاد رفاه و امنیت غذایی پایدار نخواهد بود. در چنین شرایطی، تمرکز بر برنامه های هدفمند، مدیریت موثر منابع و تأمین مالی مستمر برای حمایت از خانوارهای آسیب پذیر، تنها راهبردی است که می تواند با واقعیت های اقتصادی کشور همگام شود.

سند ۲۵ ساله ایران و چین؛

از رویای ۴۰۰ میلیارد دلاری تا نقشه عمل واقع گرایانه

گزارش

محسن فاطمی

کارشناس ارشد اقتصاد

در افکار عمومی و بخشی از فضای سیاست گذاری، انتظار چشم

ناگهانی سرمایه گذاری ایجاد شد.

در بهمن ماه ۱۴۰۰، وزرای خارجه دو کشور اعلام کردند که «اجرای سند ۲۵ ساله وارد مرحله عملیاتی شده است.» با این حال، ارزیابی های مستقل در سال های بعد نشان می دهد که پیشرفت عینی محدود بوده و عمدتاً در سطح تفاهم نامه ها، گفت وگوهای راهبردی و چند پروژه پراکنده باقی مانده و هنوز یک «فهرست شفاف از پروژه ها، ارقام سرمایه گذاری و تقویم زمانی» در دسترس نیست.

روی ای ۴۰۰ میلیارد دلاری کجا با واقعیت برخورد می کند؟

بخش مهمی از فاصله میان انتظار و واقعیت به ماهیت خود سند برمی گردد. سند ۲۵ ساله نه قرارداد سرمایه گذاری، بلکه یک تفاهم نامه راهبردی است. این سند چارچوبی برای جهت گیری ها، حوزه های همکاری و سطوح تعامل ترسیم می کند اما جزئیات پروژه، مدل های تأمین مالی و ساختارهای حقوقی را به مذاکرات بعدی و آماده سازی طرفین واگذار کرده است. در کنار این ویژگی ذاتی، چند عامل عینی نظیر «تداوم تحریم های ثانویه و ریسک بالای همکاری مالی با ایران برای بانک ها و شرکت های بزرگ چینی»، «رویکرد متوازن چین در خلیج فارس و هم زمان با ایران که می تواند روابط بسیار فعال تری در حوزه تجارت و سرمایه گذاری با عربستان، امارات و سایر اقتصاد های منطقه داشته باشد و ناچار است توازن منافع خود را مدیریت کند»، همچنین «کمبود پروژه های آماده و بانک پذیر از سوی ایران که بسیاری از طرح های مطرح شده فاقد مطالعات امکان سنجی، مدل مالی روشن و چارچوب قراردادی متناسب با استانداردهای سرمایه گذار خارجی هستند» و «چالش های محیط کسب وکار داخلی که پیچیدگی مجوزها، تغییرات مکرر مقررات، ریسک های ارزی و ضعف نظام حل اختلاف، همه باعث می شود تصمیم گیری درباره پروژه های بزرگ نیازمند زمان و اطمینان بیشتری باشد»، سرعت عملیاتی شدن سند را محدود کرده است.

بنابراین، اگر سند ۲۵ ساله صرفاً به عنوان «چک آماده ۴۰۰ میلیارد دلاری» دیده شود، نتیجه ای جز ناامیدی نخواهد داشت و نقطه تعادل، پذیرش این واقعیت بوده که سند یک ظرفیت بالقوه است که برای بالفلع شدن، به طراحی دقیق پروژه ها و اصلاح محدود اها مفاصلمند در داخل کشور نیاز دارد.

از سند به سبد پروژه: چهار محور کلیدی

مسیر تبدیل این چارچوب راهبردی به نتایج ملموس، عبور از سطح کلی گویی و رسیدن به یک سبد محدود اما عمیق از پروژه های مشخص است. به صورت عملی می توان سند ۲۵ ساله را حول چهار محور زیر به برنامه قابل اجرا تبدیل کرد:

انرژی و پتروشیمی: ایران و چین در حوزه انرژی منافع مشترک بلندمدتی دارند. برای استفاده از این هم پوشانی، تمرکز بر محورهای نوسازی و ارتقای راندمان پالایشگاه های موجود و تکمیل زنجیره ارزش فرآورده ها (از خوراک تا محصولات با ارزش افزوده بالاتر)، توسعه میادین نفت و گاز (به ویژه میادین مشترک) با ترکیبی از سرمایه گذاری فناوری حفاری و زیاد برداشت، توسعه زنجیره کامل پتروشیمی، از تولید خوراک تا محصولات نهایی، با مشارکت شرکت های ایرانی و چینی در قالب جوینت ونچر و سرمایه گذاری مشترک و تقویت زیرساخت ذخیره سازی و صادرات

زیرساخت LNG/LPG، با نگاه به بازار شرق آسیا و استفاده از تجربه و ناوگان طرف چینی می تواند مفید باشد. زیرساخت لجستیک: ریل، بندر و ترانزیت: همچنین چین در چارچوب ابتکار کمربند و راه به دنبال مسیرهای کوتاه تر و امن تر برای اتصال به اروپا، آسیای مرکزی و خلیج فارس است و ایران در صورت آماده سازی بستر، می تواند یکی از مسیرهای اصلی باشد. پروژه های اولویت دار در این محور می تواند شامل تکمیل و ارتقای کریدور ریلی شمال جنوب-چابهار-زاهدان-رشت-آستارا) و اتصال آن به شبکه ریلی چین و روسیه، توسعه بندر چابهار، بندرعباس و جاسک به عنوان هاب های ترانزیتی با سرمایه گذاری مشترک در پایانه ها، جرتیل ها، انبارها و مناطق پسکرانه، ایجاد مناطق لجستیکی و صنعتی

مشترک در کنار این بنادر و کره های ریلی، با مدل های BOT، BOO و جوینت ونچر، به گونه ای که زنجیره ارزش تولید و صادرات مشترک باشد.

اقتصاد دیجیتال و زیرساخت داده: ظرفیت چین در حوزه زیرساخت دیجیتال، مراکز داده، ۵G، شهر هوشمند و اتوماسیون صنعتی قابل انکار نیست. اگر ایران چارچوب حقوقی روشنی برای حاکمیت داده، امنیت سایبری و مالکیت فناوری تعریف کند، همکاری حوزه های توسعه شبکه فیبر نوری سراسری، به ویژه در مسیرهای ترانزیتی و مناطق صنعتی، برای پشتیبانی از تجارت دیجیتال، حمل ونقل هوشمند و خدمات ابری، احداث و بهره برداری از مراکز داده و زیرساخت ابری برای دولت الکترونیک، خدمات مالی دیجیتال و پلتفرم های تجاری، پیاده سازی پروژه های مشترک در حوزه اینترنت اشیا، صنعتی (IIoT)، اتوماسیون خطوط تولید و مدیریت هوشمند انرژی در شهرک های صنعتی منتخب، می تواند یکی از موتورهای جدید رشد باشد.

انرژی های تجدید پذیر و بهره وری انرژی: چین در سال های اخیر یکی از بازیگران اصلی تأمین مالی و اجرای پروژه های انرژی پاک در جهان از مزارع خورشیدی و بادی تا بهینه سازی شبکه های برق بوده است. ایران می تواند بسته ای از پروژه های سبز مانند احداث نیروگاه های خورشیدی و بادی در مناطق دارای ظرفیت بالا (سیستان و بلوچستان، کرمان، شرق اصفهان و برخی نقاط خراسان)، ارتقای شبکه انتقال و توزیع برق برای کاهش تلفات و ایجاد ظرفیت اتصال تجدید پذیرها، برنامه های بهینه سازی مصرف انرژی در صنایع انرژی ترو بخش ساختمان، با استفاده از فناوری و تأمین مالی مشترک رادر چارچوب سند ۲۵ ساله تعریف کند. پیش شرط های داخلی: بدون اصلاح داخل، سند روی کاغذ می ماند حتی اگر این چهار محور در سطح فنی با طرف چینی مورد توافق قرار گیرد، بدون چند اصلاح کلیدی بهبود محیط کسب وکار و نظام مجوزها، شفافیت مالی و قراردادی، تضمین قابل پیش بینی حقوق سرمایه گذار و تعریف سهم طرف ایرانی در زنجیره ارزش، حرکت جدی در داخل رخ نخواهد داد. در ادامه این اصلاحات کلیدی کاهش مراحل و زمان صدور مجوز برای پروژه های بزرگ، تعیین یک پنجره واحد برای طرح های مشترک و کاستن از تداخل نهادی بین دستگاه های مختلف، تنظیم قراردادها با ساختار قیمت گذاری، دوره بازگشت سرمایه و تعهدات طرفین به گونه ای که قابل ارزیابی کارشناسی باشد. انتشار کلیات این قراردادها برای افزایش اعتماد عمومی و کاهش حاشیه های سیاسی-طراحی نظام دآوری و حل اختلاف کارآمد، همراه با تضمین های محدود و هدفمند دولتی برای پروژه های زیربنایی باید باشد تا ریسک سرمایه گذار مدیریت شود، بدون آن که حاکمیت اقتصادی کشور تضعیف گردد. شرط گذاری برای انتقال فناوری، آموزش نیروی انسانی ایرانی، استفاده از پیمانکاران داخلی و توسعه زنجیره تأمین بومی تا پروژه ها فقط به واردات تجهیزات و حضور پیمانکار خارجی تقلیل پیدا نکنند.

ارژو با به واقع بینی

سند ۲۵ ساله ایران و چین نه چک آماده ۴۰۰ میلیارد دلاری است و نه صرفاً یک بیانیه نمادین؛ این سند یک چارچوب راهبردی است که ظرفیت تبدیل شدن به یکی از ستون های مهم روابط اقتصادی-تجاری ایران را دارد؛ به شرطی که باسبد مشخصی از پروژه ها، اصلاحات داخلی و دیپلماسی اقتصادی پیگیر همراه شود. اگر ایران بتواند در چهار محور انرژی و پتروشیمی، لجستیک، اقتصاد دیجیتال و انرژی های تجدید پذیر، بسته ای از پروژه های آماده و قابل دفاع روی میز بگذارد، سند ۲۵ ساله می تواند در یک افق چندساله به قراردادهای اجرایی و تغییرات ملموس در اقتصاد ایران منجر شود. در غیر این صورت، خطر این است که سند در حد یک عنوان برهمطاری باقی بماند و فاصله میان انتظارات و واقعیت را بیشتر کند. نیازمند مسیر دوم نیازمند واقع بینی، انجام اصلاحات داخلی و معرفی پروژه های قابل اجراست که مطالعات امکان سنجی آن ها انجام شده و با اهداف کریدوری چین هم پوشان هستند.

این دستاورد سیاسی زمانی در اقتصاد واقعی ایران دیده می شود که به پروژه های مشخص، ارقام قابل ردگیری و قرارداد های اجرایی تبدیل شود. اگر هدف استفاده از ظرفیت چین برای سرمایه گذاری در انرژی، زیر ساخت، حمل و نقل و اقتصاد دیجیتال است، باید این سند هر چه زودتر از سطح نمادین به یک نقشه عملی واقع گرایانه تبدیل شود



افزایش بی سابقه قیمت جو به ۵۰ هزار تومان

وی ادامه داد: مجموعه این چالش ها باعث شده اسمال به ویژه در محصول جو، افت تولید چشمگیر رخ دهد تا جایی که قیمت جو به رقم بی سابقه حدود ۵۰ هزار تومان رسید. به گفته مدیرعامل بنیاد ملی گندم کاران، بخشی از این اتفاق به دلیل عدم تأمین نهاده و بخشی دیگر ناشی از عدم امکان کشت به موقع بوده است. ایمانی تصریح کرد: بذر مناسب، کود به موقع و ترکیبی، زیرساخت آبیاری و تأمین سوخت از ارکان اصلی تولید پایدار هستند، اما تأمین هیچ یک از این

می شود، در واقع ناشی از شرایط اقلیمی است، نه تصمیم کشاورز. وی تصریح کرد: از یک سو زمان کاشت از دست رفته و از سوی دیگر سامانه های توزیع نهاده ها قطعی و اختلال همراه بوده و کشاورزان در تأمین کود و سوخت با مشکل جدی مواجه شده اند. ایمانی با بیان اینکه چهار و نیم میلیون بهره بردار بخش کشاورزی با مشکلات ساختاری و مدیریتی گسترده مواجه هستند، گفت: وقتی کشاورز نمی تواند کود یا سوخت خود را از سیستم رسمی دریافت کند، اصلی تولید پایدار هستند، اما تأمین هیچ یک از این

معدودی از کشاورزان که توان مالی کافی نداشته اند، نتوانسته اند از خرید سوخت و کود از بازار آزاد تأمین آب، بخشی از کشت را انجام دهند. ایمانی تأکید کرد: در مجموع نسبت به سال گذشته وضعیت کشت مناسب نیست و بخش زیادی از کشاورزان به ناچار کشت انتظاری انجام داده اند. وی افزود: در استان گلستان بسیاری از مزارع کلزا بر اثر تغذیه پرندگان و قفدان بارش از بین رفته و کشاورزان برای تغییر کشت به گندم آماده می شوند. مدیرعامل بنیاد ملی گندم کاران اظهار کرد: آنچه این روزها به عنوان تغییر الگوی کشت « مطرح

مدیرعامل بنیاد ملی گندم کاران با اشاره به اینکه کاهش بارش ها کشت دیم را مختل کرده، گفت: در صورت بارش های مؤثر بخشی از خسارت قابل جبران است، در غیر این صورت آینده تولید مطلوب نیست.

کاهش بارش ها در آغاز سال زراعی جدید موجب تأخیر گسترده در کشت پاییزه شده و بسیاری از مزارع دیم در استان های مختلف با چالش مواجه شده اند چرا که زمان کاشت بخش مهمی از محصولات استراتژیک از دست رفته است. این شرایط هم زمان با کمبود و تأخیر در تأمین نهاده هایی مانند کود و سوخت، هزینه تولید را به شدت افزایش داده و اختلاف قابل توجهی میان مزارع دارای امکانات و مزارع فاقد امکانات ایجاد کرده است.

با وجود امید به بارش های مؤثر در هفته های آینده، تأکید بر ضرورت مدیریت دقیق نهاده ها و تقویت زیرساخت های تولید برای کاهش آسیب های ناشی از خشکسالی همچنان مطرح است.

تأخیر جدی در آغاز کشت های پاییزه با کاهش بارش ها

در همین زمینه علی قلی ایمانی، مدیرعامل بنیاد ملی گندم کاران در گفت وگو با میزان اظهار کرد: کاهش بارش ها در سال زراعی جدید باعث برهم خوردن نظم کشت دیم و تأخیر جدی در آغاز کشت های پاییزه شده است. وی تصریح کرد: در بسیاری از مناطق بارش ها اتفاق نیفتاده یا اثرپذیر نبوده و همین موضوع سبب شده بخش قابل توجهی از تاریخ کاشت کلزا، گندم و جو در مهر و آبان از دست برود.

به گفته مدیرعامل بنیاد ملی گندم کاران تنها تعداد